



گروه کم عقل و کم فکر چه کسانی هستند؟/ سخن حق و گرفتن معنای باطل

امام علی(ع) خطاب به خوارج می فرماید: دنیا شما را در گمراهی پرتاب کرده و مقدرات شما را آماده مرگ ساخته است. ای گروه کم عقل! و ای کم فکرها! من کار خلافی انجام نداده بودم و نمی‌خواستم به شما زیان برسانم.

خبرگزاری مهر - امام علی(ع) خطاب به خوارج می فرماید: دنیا شما را در گمراهی پرتاب کرده و مقدرات شما را آماده مرگ ساخته است. ای گروه کم عقل! و ای کم فکرها! من کار خلافی انجام نداده بودم و نمی‌خواستم به شما زیان برسانم.

خطبه سی و ششم نهج البلاغه خطبه‌ای است که امام علی(ع) برای اعلام خطر به خوارج نهروان در مورد اشتباهاتشان ایراد فرموده است»[1][2][3] نکند بی دلیل کشته شوید! شما را از این بیم می‌دهم: نکند بدون دلیلی از پروردگارتان و با دستی تهی از مدرک روشن، جسد شما در کنار این نهر و در این گودال بیفتد.[4] دنیا شما را در گمراهی پرتاب کرده و مقدراتی (که به دست شما فراهم شده) شما را آماده مرگ ساخته است. من شما را از این حکمیت نهی کردم، ولی با سرسختی مخالفت نمودید و فرمان مرا پشت سر انداختید تا به دلخواه شما تن در دادم! ای گروه کم عقل! و ای کم فکرها! من کار خلافی انجام نداده بودم و نمی‌خواستم به شما زیان برسانم.

خوارج عده ای از سپاهیان امام علی(ع) بودند که در آغاز از معاویه و عمرو عاص فریب خورده و با پیشنهاد حکمیت از طرف معاویه موافقت کردند، و امام(ع) را به قبول آن وادار کردند، ولی پس از آنکه قرارداد آتش بس و آیین نامه حکمیت به امضای طرفین رسید، آنان که تازه به اشتباه خود پی برده بودند، به جای آنکه خود را نکوهش کنند و از امام(ع) عذر بخواهند، مرتکب اشتباه بزرگتری شده و حکمیت را از اساسا مردود دانسته و آنرا مخالف با حکم خدا انگاشته، ارتکاب آنرا مایه شرک و کفر اعلان کردند. از این رو از امام(ع) خواستند که از کرده خود توبه کند و عهدنامه آتش بس را نقض کرده، جنگ با معاویه را از سر گیرد.

امام(ع) در برابر آنان ایستاد و یادآور شد که اولاً: برداشت آنان از حکمیت نادرست است، زیرا آنچه حکم قرار داده شده افراد نیستند، بلکه قرآن کریم است و خداوند دستور داده است که در منازعات به قرآن و پیامبر رجوع شود، رجوع به قرآن به این است که به حکم آن گردن نهیم. و رجوع به پیامبر صلی الله علیه و اله به این است که به سنت او عمل کنیم. هر گاه طبق قرآن و سنت پیامبر داوری شود، حق با ما خواهد بود.

ثانیاً: حکمیت از اساس مخالفت با قرآن نیست. اشتباهی که رخ داده این بوده است که در شرایطی که سپاهیان امام(ع) در چند قدمی فتح و پیروزی بودند، طرح آتش بس و حکمیت، واقع بینانه نبود و آن حضرت نیز مخالفت خود را با آن اعلان کرد، و این خوارج بودند که قبول آنرا به امام(ع) تحمیل کردند. ثالثاً: شکستن عهد و میثاق با نص قرآن کریم و تعالیم اسلامی مخالف است، و تا طرف مقابل آن را نقض نکرده است، شکستن آن روا نیست، لکن آنان همچنان بر درخواست و رأی خود پافشاری کردند و امر تحکیم را برخلاف حکم خداوند و قبول آنرا گناهی بزرگ و مایه شرک می دانستند و آنگاه که امام(ع) با سپاهیان خود از صفین رهسپار کوفه گردید، آنان در مکانی به نام حروراء اقامت گزیده و وارد کوفه نشدند و شبت بن ربیع را به عنوان فرمانده جنگ و عبد الله بن کواء را به عنوان امام جماعت انتخاب نموده، توافق کردند که کارها به صورت شورایی انجام شود و امر به معروف و نهی از منکر را شعار خود ساختند.

مهمترین عامل پیدایش فرقه خوارج، کوتاه فکری و ساده اندیشی و کج فهمی آنان بود که موجب شد اولاً: آیه قرآن #171؛ ان الحكم الا لله « را نادرست تفسیر کرده، حکم به معنای قانون و برنامه حکومت را با حکم به معنای فرمانروایی و داوری اشتباه کنند، و در نتیجه حکمیت را مخالف قرآن بدانند. ثانیاً: ارتکاب گناه را موجب شرک و کفر دانسته، کسانی را که به حکمیت رضایت داده بودند،

امام علی(ع) آنگاه که خوارج شعار «ان الحكم الا لله» را سر می دادند، فرمود: «کلمة حق يراد بها الباطل، نعم لا حكم الا لله، و لكن هؤلاء يقولون لا امرة الا لله و لا بد للناس من امير بر و فاجر» سخن حقی است که معنی باطلی از آن اراده شده است. آری، حکم (قانون) مخصوص خداوند است، ولی این گروه (خوارج) می گویند: امارت و رهبری جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به امیر و رهبر نیاز دارند، خواه نیکوکار باشد یا بدکار (یعنی حتی اگر فرمانروای نیکوکار وجود نداشته باشد، وجود فرمانروای ناصالح از هرج و مرج بهتر است) و در جای دیگر پس از اشاره به ماجرای حکمیت و اینکه او در آغاز با آن موافق نبود، و خوارج آن را تحمیل کردند، خطاب به آنان فرمود: «و انتم معاشر اخفاء الهام، سفهاء الاحلام: شما جمیعتی سبک عقل و نابخردید.»

توضیحات

[1] بعضی از قسمتهای این خطبه را طبری در تاریخ خود جلد 6 آورده است. (مستدرک و مدارک نهج البلاغه، صفحه 243) و در شرح ابن ابی الحدید جلد 2 صفحه 283 آمده است که این خطبه را امام روز نهروان در برابر خوارج ایراد فرمود.

[2]«نهروان» نام دامنه نهری است در نزدیکی کوفه و در کنار آن صحرای «حروراء» واقع است و به همین مناسبت خوارج نهروان را «حروریه» نیز می گویند. رئیس این گروه گمراه «حرقوص بن زهیر سعدی» است که به «ذو الثدیة» ملقب بوده است. (شرح نهج البلاغه عبده ذیل خطبه)

[3] ابن ابی الحدید می نویسد: اخبار و روایات در حد تواتر است که خداوند به قاتلان و کشتندگان خوارج وعده ثواب داده است. و این سخنان از زبان پیغمبر(ص) نقل گردیده است. ازجمله اینکه در اخبار صحیح و مورد اتفاق رسیده است: هنگامی که پیغمبر(ص) اموالی را تقسیم می فرمود کسی به او گفت عدالت را مراعات کن! پیامبر(ص) در پاسخ فرمود: مراعات کردم. او باز هم جمله اول را تکرار کرد. پیامبر(ص) فرمود: وای بر تو اگر من عدالت را مراعات نکنم چه کسی مراعات می کند؟ عمر بن خطاب از پیامبر(ص) اجازه خواست تا گردن این شخص را بزند. فرمود: وی را رها کن! از او اقوامی برمی خیزند که از دین خارج می شوند و آن هنگامی است که بین مردم تفرقه افتاده باشد، نماز و روزه شما در برابر نماز و روزه آنها(ظاهرا) ناچیز می نماید قرآن را می خوانند ولی به آن عمل نمی کنند.

در مسند «احمد حنبل» از قول «مسروق» آمده است که عایشه از من پرسید. از «مخدج» چه خبر داری؟ گفتم علی بن ابیطالب(ع) او را در نهروان کشت. عایشه گفت: برای این گفته شاهد اقامه کن، من افرادی را برای شهادت آوردم. پس از آن به او گفتم تو را به صاحب این قبر (قبر پیغمبر(ص)) قسم می دهم درباره او چه شنیده ای؟ گفت: پیغمبر(ص) می فرمود: «انهم شر الخلق و الخلیقه، یقتلهم خیر الخلق و الخلیقه و اقربهم عند الله وسیلة: «آنها بدترین مردمند که بهترین مردم و نزدیکترین افراد به خدا آنها را خواهد کشت.» (شرح ابن ابی الحدید، جلد 2 صفحه 265 و 267)

[4]«بائناء هذا النهر» این جمله اشاره به یک خبر غیبی است در این مورد مطالب فراوانی نقل شده است ازجمله: یکی از

اصحاب امام(ع) که پیشاپیش لشکر بود خدمت امام(ع) رسید و بشارت داد که خوارج با شنیدن آمدن شما از نهر گذشته‌اند. امام سه بار وی را سوگند داد که «#از نهر عبور کرده‌اند» جواب داد آری امام(ع) فرمود: «#و الله ما عبروا و لن يعبروا و ان مصارعهم لدون النطفة و الذی فلق الحبة و برء النسمة لن يبلغوا الاثلاث و لا قصر بوازن حتی یقتلهم الله: به خدا سوگند عبور نکرده‌اند و هرگز عبور نخواهند کرد میدان کشته شدن آنها این طرف نهر خواهد بود سوگند به خدائی که دانه را شکافته و انسان را آفریده پیش از آنکه به«#اثلاث» (نام محلی است) و «#قصر بوازن»- برسند خداوند آنها را خواهد کشت» جوانی می‌گوید: با خود گفتم او خبر از غیب می‌گوید؟ اگر پس از رسیدن مشاهده کردم خلاف است نیزه خود را در چشمش فرو خواهم کرد آیا ادعای علم غیب می‌کند.

ولی هنگامی که به نهر رسیدیم دیدیم همه شمشیرها را شکسته و آماده جنگ ایستاده‌اند، جوان از اسب پیاده شد و عرض کرد ای امیرمؤمنان تا هم اکنون درباره تو شک داشتم و الان به سوی تو و خدا بازگشته‌ام مرا ببخش امام(ع) فرمود: «#ان الله هو الذی یغفر الذنوب»: تنها خدا گناهان را می‌بخشد! استغفار کن هنگامی که لشکر امام(ع) با خوارج روبرو شدند. فرمود: جنگ را با آنها شروع نکنید، آنها لشکر امام(ع) را تیرباران کردند جریان را به امام گزارش دادند. فرمود: دست به جنگ نزید، خوارج برای بار دوم حمله نمودند باز هم امام آنها را از پاسخ متقابل باز داشت، و چون بار سوم حمله نمودند، فرمود: «#الان طاب القتال احملوا علیهم: هم اکنون جنگ بی‌اشکال است حمله کنید.» و نیز فرمود: «#لا یقتل منکم عشرة و لا یسلم منهم عشرة: از شما 10 نفر کشته نگردد و از آنها 10 نفر باقی نماند، بعد از پایان جنگ معلوم شد 9 نفر از اصحاب امام(ع) شهید شده‌اند و از آنها 8 نفر جان به در برده‌اند.» (شرح ابن ابی الحدید اقتباس از ص 271-280 جلد 2)